دوشنبه ۲۸ آبان ماه ۱۳۲۹ — تک شماره ۱۰ ریال — شماره ۱۵۰

افتخار

تحت نظر هیئت تحریریه

ادبی، اجتماعی، انتقادی، سیاسی

مدیر و نگارنده: منصور ذوالفقاری

چند خبر خصوصی

آقای دکتر نخعی هم با پنبه سر می برد و هم بمعامله پنبه علاقمند است!!

آقای رزم آراء بانگلیسها متمایل می شود

دکتر نصر بایران می آید

دولت اسرائیل مشغول تاسیس سفارت خانه در ایران شده

با پنبه سر میبرد و از معامله پنبه خوشش می آید!

اینکه میگویند آقای دکتر نخعی برای از بین بردن حریفش با پنبه سر می برد کمال صدق را پیدا کرده و اغلب از آشنایان وی باین معنا پی برده اند اما خیال استفاده از پنبه وی را کمتر کسی می دانند.

بطوریکه از گوشه و کنار اطلاع حاصل کرده ایم همانطوری که آقای

بقیه در صفحه ۲

دو ماه و نیم تعطیل روزنامه

پس از روی کار آمدن حکومت آقای رزم آراء نظر بعللی که ذیلا نگاشته می شود چون این روزنامه نتوانست مرتباً در هر هفته بخدمت مطبوعاتی خود ادامه دهد یکعده مغرض، نفع پرست، مزدور، بی وطن و جاسوس که در هر محفلی به بادمجان دور قاب چین معروف شده اند چنین شهرت دادند: که چون صبح دوشنبه ای که آقای رزم آراء بر سر کار آمد این روزنامه سرمقاله خود را برله ایشان و علیه مخالفین وی اختصاص داده و باندازه مخصوصی هم در بین ارباب جراید و رجال و ملت آن مقالات حسن اثر بخشیده در نتیجه مقامات طرفدار آقای رزم آراء وجوهی به بنده داده اند که از هر حیث آن وجوه مرا مستغنی از مال و منال و ادامه بخدمت روزنامه نگاری نموده است و حتی در ازدخود دلائل و براهینی هم میتراشیدند!! «در حالیکه اینجانب در خارج از تهران بسر می بردم» در همین اوان یک رند کهنه کار دیگری که قلم ننگ دارد نام مدیر روزنامه بروی وی گذارد و تا بحال هم بعلل نامعلومی در نزد کس و بیکس زبان بتهمت این بنده گشوده و حق نمک را با شکستن نمکدان بجا می آورد چنین پخش خبر کرده بود که مقامات مربوطه از انتشار روزنامه افتخار جلوگیری کرده اند!!

اینها و صدها تهمت های ناروای دیگر نمونه ای از ترشحات فکری مغزهای پوک و خشکیده ای بود که با ترور افکار مردم حقایق را آنطوری که دلخواه خودشان است میخواستند جلوه دهند.

بشهادت صفحات این روزنامه از ابتدائی که قلم بر دست گرفته و افتخار این را پیدا کرده ام که همیشه در خادمیت نسبت بمطبوعات وفادار بوده و تا آنجائی که برایم میسر است بمبارزه بر علیه خائنین ادامه دهم نه دیناری از شخص و یا مقامات و دسته ای گرفته ام و نه بیهوده برای درهمی چند مدح و یا مذمت اشخاصی را گفته ام.

بقیه در صفحه ۲

فاصله طبقاتی، کشور را بسقوط

تهدید میکند

خدا میداند چه وقت و کی میتوان از وجود یک هیئت حاکمه ای که اولین قدم در برنامه اش از بین بردن فاصله طبقاتی باشد استفاده نمود؟

شما خواننده عزیز خیال میکنید این برنامه ها که رنگ و بوئی دارد و هرگز خاصیتی از آن بدست نمی آید سر عدم موفقیتش چیست؟ گمان دارید خوب بموقع اجرا گذاشته نمیشود؟ خیال میکنید همیشه میتوان از آنها استفاده کرد؟ در صورتیکه غیر از اینست.

همین برنامه ها اولین قدم بدست کسانی میافتند که با منافع شخصی و خصوصی آنها تماس دارد و اینان هم هرگز نخواهند گذاشت که این برنامه جامه عمل بپوشد، زیرا بهتر از همه میدانیم و میدانید که دزد هیچوقت خود را بدست پاسبان نخواهد سپرد این علت و تمام علت های دیگر که باعث عقب افتادگی جامعه ایرانی شده است تنها پیدایش فاصله طبقاتی است والا اگر فاصله طبقاتی در بین نبود قانونی که باید محترم شمرده شود همه بآن احترام میگذاشتند.

مجلس قانون را وضع میکند و میداند این قانون شامل حال او نخواهد بود و آن گردن کلفتهائی که از زیر بار قبول این قانون شانه خالی میکنند میدانند که هرگز قانون درباره آنها اجرا نخواهد شد و همین فاصله است که این قانون گو اینکه هزار بار خوب و نیکو باشد برای طبقه بیچاره و درمانده کشور مثل عقرب و از زهر مار تلخ تر است؟!

جامعه بدبخت ما بدبختیش اینست که مهلت ندارد حساب خود را تصفیه کند و با این گردن کلفتها که بهزار عنوان و هزار اسم و رسم از زیر بار قبول و تمکین قانون شانه خالی میکنند بکنار آید و اگر بکنار هم آید همان فیل و فیل سوار است که ناچار باید نیشتر پشت گوشش بخورد و جان بکند تا این نازپروردهای عزیز دردانه سواری بگیرند و بخر مراد سوار باشند. نخست وزیر یا نخست وزیران و یا هیئت دولتی که بخواهد در این کشور کاری انجام دهد باید قدم اول او برای از بین بردن فاصله طبقاتی باشد و تا در باین پاشنه میگردد محال است که بتوان از وجود اینهمه برنامه های مشعشع استفاده نمود؟

امروز ملتهائی حق حیات دارند که این حیات خود را بدست بگیرند و از کسانی که میخواهند حیات آنان را ملعبه خوشگذرانیها و باده سرائیهای خود سازند باز ستانند والا ملتی که حاضر است در زیر یوغ بندگی جان بدهد ولی حیات خود را اگر ببرد چشمش کور و دلش برای هزارمین بار نرم باید با همین آب عفن و نان پر از زهر مار که در دنیای زنده امروز مشابه مهلک ترین میکروبهای واگیردار است بسازد و باز هم جان بکند تا کیسه طمع عده ای انگشت شمار و هزار فامیلها را پر نماید تا آنها خوش بگذرانند.

چند روز پیش که از نزدیکهای میدان امین السلطان میگذشتم منظره ای دیدم که دود از کله ام بر خواست بآن محوطه رسیدم چه دیدم؟ شما خیال میکنید چه خواهم دید!! آیا از قصرهای

بقیه در صفحه ۲

اختراع مهم امریکا بمب اتم برای نابودی

بشر نیست!! بلکه اختراع مهم، لغت سازیهای جدیدی است که حق را ناحق و باطل را صحیح استعمال می کند

یک وقتی بود که امریکا هنوز قدرت نظامی چندانی نداشت که بتواند صحنه پهناور جهان را جولانگاه تاخت و تاز مقاصد امپریالیستی و غارت گری خود قرار دهد باین جهت اصل «منرو» را اختراع کرد باین معنی «امریکا مال امریکائیها» باشد بعد از جنگ بین الملل اول باز قدرت نظامی خود را که هنوز آن اندازه نمی دید که پای تخطی از قاره جدید امریکا بیرون گذارد باین جهت در لانه خود به بست قدرت پرداخت.

اما از بعد از جنگ بین الملل دوم که خیال می کند قدرت ما فوق بشر پیدا کرده عنان گسیخته این در و آن در می زند و بدون تشریفات و رعایت مقررات وارد یک مملکتی می شود هر طور که خواست قرارداد یک طرفی می بندد و هر کس هم برخلاف میلش می بیند بر می دارد و مزد ورو نوکر خود را حمایت می کند.

طبقات حاکمه کشورهائیکه بقول امریکائیها جزء کشورهای عقب مانده هستند از ترس نابودی خودشان که سرنوشت مسلم آنهاست برای جلب حمایت قدرت امریکا بمنظور مکیدن خون ملت ها گو اینکه چند روزی بیشتر نباشد از تحمل هر گونه خواری و مذلت سرباز نمی زنند.

امریکائیها که سرمایه اشان طبق آمار متعددی که مقامات ذی صلاح خودشان منتشر کرده اند بی حد زیاد شده و اگر از کشور خود خارج نکنند مبتلی به بحران پولی خواهند شد و پولی که در

بقیه در صفحه ۲

یکی دیگر از حساسترین

دردهای این ملت

صاحب این عکس را همه و بالاخص ورزشکاران محبوب ایرانی میشناسند که وی الکساندر واسیپوف معروف به «شورا» می باشد که یکی از قهرمانان نیم سنگین بکس کشور از سال ۱۳۲۵ تا کنون بوده.

«شورا» در میان مهاجرینی که پای بخاک ایران نهاده ابتدا در همدان میزیسته است که چون مسابقات بکس در ایران شروع می شود و نام وی را قهرمانانی امثال ناطقی (در باوش) می شنوند انتظار دیدار وی را میکشند که پس از مدتی شورا بتهران آمده و در بین بکسورهای آنزمان محبوبیتی خاص پیدا می کند.

ابتدا الکساندر شورا در سیرک بازی های شوری که در محل سیرک تهران بمعرض نمایش گذارده می شد شرکت می کرد و بازی هائی از قبیل بکس و کشتی و اکروبات مینمود که چون حریفی در نمایشات تهاجمی خود نیافت به کشتی فرنگی پرداخت و در بین کشتی گیران معروفیتی بسزا یافت

شورا در مسابقات بکس کشور از سال ۱۳۲۵ که اولین سال شروع مسابقات بکس بود شرکت کرد و با حریفانی چون سروان کاوسی مسابقه داد و اورا بروی رینک غلطانید و علاوه بر آن در مسابقات بکسی که در زمان متفقین در راه آهن و خرمشهر انجام شد در همه جا بر حریفان آمریکائی خود فائق می آمد و حتی در خاورمیانه جزو بهترین بکسورها شناخته شد.

در مسابقات المپیک ۱۹۴۸ علاوه بر این که در ایران مقام قهرمانی خود را حفظ کرد شرکت جست و با امتیازات خیلی کمی بیکی دو حریف خود مسابقه را باخت

این بوکسور با سابقه که ۲۸ سال از عمر او بیشتر نگذشته بود و برای

بقیه در صفحه ۲

برکناری سرتیپ سپهپور

میگویند برکناری و توقیف چند روزه سرتیپ سپهپور رئیس هواپیمائی لشگری در اثر بروز اختلافاتی بوده که با آقای احمد شفیق رئیس هواپیمائی کشوری پیدا کرده اند و منجر به برکناری ایشان شده است.

قابل توجه آقای شهردار

نامه ای با امضاء عده ای از رفتگران شهرداری بدفتر روزنامه رسیده و از زحمات و پشت کار و فعالیت و مردم داری آقای خسروانی رئیس دایره استخدام مستخدمین دون پایه اظهار قدردانی نموده اند و از ما تقاضای تشویق وی را کرده اند.

افتخار - ما نیز بنوبه خود ضمن تشکر از حسن نیت ایشان توجه آقای شهردار و مقامات مسئول را نسبت بتشویق این قبیل جوانان شایسته جلب میکنیم

آقای دکتر نخعی ملت تقاضا میکند که این لباس

گل گشاد را از همین جا درز بگیرید

برخلاف عده کثیری که سازمان برنامه را یک موسسه غیر مفید دانسته و هر روز بنحوی از انحاء دم از انحلالش می زنند نگارنده شخصاً وجود این سازمان را نه تنها مفید، بلکه باندازه ای ضروری می دانم که بی اغراق از نان شب هم واجب تر میشمرم.

همانطوری که در بدو تاسیس بانک صنعتی و معدنی که امروز بصورت سازمان برنامه در آمده هر ایرانی وطن پرستی امیدوار بود که از این دستگاه که بی شبهه با حیات و ممات یک کشوری مثل ایران بستگی دارد تا اندازه ای دردهای بیشمار ملت دوا گشته و آرزوهای نهائی ما بر آورده می شود همینطور امروز هم اگر بهدف سازمان برنامه نظری بیافکنیم خواهیم دید که اگر دست های ناپاکی که برای ریشه کن کردن نسل ایرانی در هر اداره و یا موسسه ای در کار است بگذارد این موسسه بسیار مفید هم در کمترین مدتی خواهد توانست قدمهای موثری برداشته و تا اندازه ای حوائج ضروری مردم را برطرف نماید.

میگویند سازمان برنامه در این مدت توانسته است با وارد نمودن اسباب و ادوات و کارخانجات مربوط باستخراج نفت که در دست اقدام است بزرگترین خدمت را به مردم نماید، و باز بنابر اخبار واصله در سال جاری کارخانجات قند را سازمان برنامه بحدی توسعه داده که از هر حیث احتیاجات مردم از این بابت تامین شده است.

باز شنیده میشود با توجه مخصوصی که مدیر عامل چای سازمان برنامه نسبت بچای داخله مبذول داشته چای ایران بحدی مرغوب شده که با چای های خارجه برابری می کند.

اما اینها و صدها عملیات عام المنفعه ای که انجام شده تماما نتیجه زحمات اشخاصی بوده که قبل از آقای دکتر نخعی در راس سازمان برنامه قرار داشته اند.

شما نگاه کنید الان مدت دو ماه است که آقای دکتر نخعی بسمت مدیریت عامل سازمان برنامه انتخاب شده ولی سازمان برنامه جز اینکه سیر قهقرائی خود را طی کند عمل دیگری انجام نداده و در دستگاههای داخلی آن از هم گسستگی و بلبشوئی غریبی دیده میشود

من نمیدانم چرا موضوع پنبه که تا بحال دو مرتبه اتفاق افتاده هر دو در زمان آقای دکتر نخعی رخ داده و باعث اینهمه سر و صدا شده است؟

اگر بنا باشد هر ساعت یک مدیر عامل و یا یک عضو هیئت مدیره نالایق برای سازمان برنامه با حقوقهای گزاف بتراشند من مطمئن هستم که در ظرف مدت قلیلی با این طرز رویه فاتحه سازمان را خود مات خواهد خواند و چون صفحات این روزنامه اجازه بحث بیشتر را در خصوص سازمان برنامه نمی دهد ما سعی خواهیم کرد که در هر شماره یک قسمت از صفحات روزنامه را به بحث در اطراف خلافکاریها و یا عملیات عام المنفعه ای که روسای سازمان

بقیه در صفحه ۲

ملکه آینده ایران از کاخ شمیران به تهران آمده اند

یک خبر خصوصی حاکی است نظر باینکه آب و هوای شمیران دو سه مرتبه دوشیزه «ثریا» ملکه آینده ایران را بسرما خوردگی مبتلا نموده بود باین جهت دو سه روز قبل به تهران منزل آقای پناهی که در خیابان مستعان واقع است آمده اند.

مدیر عامل سازمان برنامه

از هم اکنون شایع شده که برای احراز پست مدیریت عامل سازمان برنامه دست و پاهائی می شود ولی از طرف دولت به آقای پناهی مراجعه شده که ایشان هم با شرائطی خاص حاضر بقبول این پست شده اند.

ممکن است هر چه زودتر آقای پناهی بجای آقای دکتر نخعی در سازمان برنامه مشغول کار شوند.

شرکت بیمه با اینهمه فجایعی که می کند دولت معطل است و وزارت دارائی

هم از مالیاتی بکارگران به بند دستهای بی انصافی است

یک نامه بلند بالا با چندین امضاء و عرضحال حضوری کارگران آبجوسازی شمس که در منتهای سختی و پریشانی و با حد اقل حقوق و حداکثر کار پس از مخاطرات بدنی لقمه نانی بدست می آورند ملت را از هر چه قانون گذار است بدبین می کند.

شما را بخدا در کدام جهنم دره ای رسم این بوده که از کارگران بی نوا که در اثر تماس با یخ و آب رماتیسم و هزاران درد بی درمان دیگر مبتلا می شوند حق بیمه هنگفتی بگیرند و آن وقت هم کوچکترین توجهی بحال آنها نداشته باشند؟

از همه مهمتر شنیدم که ارباب و صاحبان این کارخانه بکارگران فشار آورده اند که از طرف دولت قرار شده مالیاتم از کارگران کارخانه گرفته شود

ای ننگ بر این کشور بی صاحب باد که از کارگران و رنجبرانی که در منتهای سختی بکار مشغولند هم حق بیمه می گیرند و هم مالیات.

اگر دولت آقای رزم آراء در فکر ملت است باید بدرد دل کارگران سیه روز رسیدگی کند که چرخ و فلک مملکت بدست آنها میچرخد.

اختراع مهم آمریکا

بقیه از صفحه ۱

داخله کشورشان صدی یک هم نفع نمی دهد مجبور شده‌اند آنرا برای جلب منافع بیشتری به ممالک دیگر قرض بدهند

اما این آمریکاست کمک و بادمجان نیست صاحب اختراعات عدیده آدمکشی است بمب اتم دارد که بر سر یک شهر که بریزد در یک آن نابودش میکند این آمریکاست که اگر میل کند قوای دریائی و هوائی آن کشور آن قدر بمب آتشزا بر سرزن و بچه کشوریکه گستاخی کند و بخواهد منم بزند میریزند که بر سر آن همان آید که بر سر مردم کشور کره آمده بله آمریکاست و نمیتواند مقید بلغات و اصطلاحات مزخرف قدیمی شود.

قدیم هر کسی که پول آنزیل می‌داد هر آئین و مذهبی او را منفور می‌شمرد رباء در هر دین و کیشی مذمت شده بنابراین لغت آنزیل مقام شامخ قاب و قوسین ملت بی نظیر و غیر مادی امریکا خواهد بود از پول هم که نمیشود صرف نظر کرد

پس لغت را عوض می کند بجای لغت رباء خوری و منفعت خوری که از خون مردم خوردن بدتر است لغت قشنگ کمک را می گذارند چه عیبی دارد

کی می فهمد تازه که فهمید آن قدر توی دهنش می‌زنند که صدای او خفه شود؟

خنده‌دار اینجاست که امریکا بدولت انگلستان قرض می دهد و صدی دو نفع میگیرد آنوقت نه مستشار می فرستد و نه شرایط خرج را قرار می گذرد!!

اما بمملکت فقیر ایران قرض میدهد چه جور؟

با هفت سال بیا برو و تبلیغات که: آمریکا کمک می کند آنهم کمک بلاعوض کمک معنوی مادی مینماید آنوقت است که یکعده مستشاران مفتخور می آیند و پول های هنگفت میگیرند دولت ایران هم نقشه تهیه میکند، بعد امیگویند مورد قبول نیست نقشه عوض میشود باز میگویند نقشه خوب از آب در نیامده و مطابق میل اربابان نیست و مجددا مستشاران می نشینند نقشه نقشه دیگه میکنند تا نقشه حاضر میشود تازه میگویند معاینه محلی لازم است در این موقع مستشاران دیوان کشور آن مملکت مجبور می شوند زحمت کوه پیمائی ایران را تحمل کنند با خانهای ایلات ملاقات نمایند بند و بست های لازمه بعمل آورند! پس از اینها پول قرض می دهند!! با ربح صدی سه و نیم یعنی دو برابر ربحی که از انگلیسی ها میگیرند

این است معنی کمک آمریکا با ایران آنوقت شما مرتب بگوئید امریکا نظر مادی دارد!!

یکی دیگر از حساس‌ترین دردهای ملت

بقیه از صفحه ۱

ایران سر افرازی بس شایانی بدست آورده بود چون هیچگونه تشویقی از وی نمیشد و هیئت های حاکمه و مقامات مسئول هم کوچکترین توجهی بحال وی نداشتند از نظر عدم تکافوی حقوق و درآمدش با مخارج گرافی که از حیث نگهداری عیال و اولاد و خانواده داشت و مهتر اینکه از نظر ادامه ورزش و تشویقات بیشتری با ۲۷ نفر از عائله خود بروسیه شوروی رفت که بیش از این در مضیقه مالی واقع نشده و بهتر قدر زحماتش را بدانند

افتخار — گلی بجمال اینهمه ورزش دوست که در راس آنان یکی از افراد هزار فامیل قرار گرفته

فاصله طبقاتی کشور را

بقیه از صفحه ۱

سر بفلک کشیده شمال شهر و خیابان های مصفای شاهرضا و خانمهای پر آب و رنگ و زیبا و طناز استامبول که بوی عطرشان زانوهای آدمی را سست میکند دیدم؟ اگر چنین تصوری کنید حقیقتا باشتباه نرفته‌اید.

دقت کنید باشتباه نرفته‌اید، زیرا من در این منجلاب عفن که در گوشه خیابان و گوشه‌ای که استفاده از مستراح میشود و کنار همان جوی آبی که با کثافت ها مخلوط شده یک عده بخت برگشته که نامشان انسان و آنهم آدم کشور گل و بلبل گذاشته‌اند دیدم که با مقداری نان خشک و هندوانه گندیده سد جوع میکردند و از همان آب هم می نوشیدند و دست آخر شکر خدارا هم بجا میآوردند تا آن خانمهای زیبا و آن اتومبیلهای آخرین سیستم براه باشد.

برای همین است که امروز بفکر الفنادم تا بنام یکفرد زندهٔ این کشور با فریاد رسا بنام ۱۵ میلیون جمعیت گرسنه و بدبخت این کشور فریاد بزنم آقایان روسا، وزراء، امراء و علای قوم بیائید فاصله طبقاتی را کم کنید درهمیشه بیک پاشنه نخواهد گشت و شما هرگز نخواهید توانست با این ناز و نعمت ها خوش بگذرانید.

بیائید بفکر این مردم زحمت کش، بفکر این کسانی که وسائل خوش گذرانی شمارا فراهم میکنند باشید. اینست آرزوی بسیار کوچکی در پایتخت این کشور و حالا وای بحال اقصی نقاط ایران که شاید همین آب و همین هندوانه و همان نان خشک را هم بدست نمی آورند.

حالیه اگر در ممالک مترقی شما می بینید زندگی تعدیل میشود برای آنست که قانون برای همه محترم است و این نیست جز نبودن فاصلهٔ طبقاتی در آن کشورها و الا ما کلا همان پس معرکه است و ول معطلیم زیرا از قدیم هم گفته‌اند:

خواجه آنستی که باشد غم خدمتکاش

دیگر چه عرض کنم.

اخبار مخصوص

بقیه از صفحه ۱

دکتر نخعی پس از دوره وزارت مرحوم نصرالدوله اعتمادی بوزارت کشاورزی منصوب شدند یک سر و صدای عجیبی راجع به پنبه بوجود آوردند که در شماره‌های بعد شرح مفصل آنرا خواهیم نگاشت.

وامروز هم که در راس سازمان برنامه قرار گرفته اند میگویند خیال داشته اند معامله ۳۰۰۰۰ تن پنبه را با شامپیون جواز که در زمان آقای قوام السلطنه افتخار کسب این لقب را پیدا کرده و به محمد کاظم ملک مشهور می باشد خاتمه دهد اما مقاومت وایستادگی آقای دکتر شهمنش مانع امضای این قرار داد که شرایط عجیب وغریبی در آن بکار برده شده گردیده که ما انشاالله پس از اطلاع از چگونگی قرارداد مفصلا این موضوع را خواهیم نگاشت.

آقای رزم‌آراء متمایل بانگلیسها شده.

پس از گفتگوئی که در مورد استیضاح نفت در مجلس سنا و شورای ملی بعمل آمد و آقای رزم آراء در جواب نمایندگان موافقت خود را با لایحه الحاقی نفت صریحا بیان داشتند نظر کلیه محافل دیپلماتیک بر آنست که آقای رزم آرا تمایل نزدیکی با انگلیسها حاصل نموده اند

دکتر نصر بایران می‌آید

آقای دکتر نصر وزیر دارائی سابق کابینه آقای رزم‌آرا که نظر باختلافاتی حاضر بهمکاری با کابینه فعلی نگردیده و فعلا در خارجه بسر میبرند از هم اکنون شایع شده که بایران مراجعت خواهند فرمود و پست مهمی را اشغال خواهند کرد

دولت اسرائیل در ایران سفارت خانه تاسیس می کند

در میان اشخاص مطلع و وارد صحبت می‌شود که وزارت امور خارجه ایران با ایجاد و تاسیس سفارت خانه از طرف ایسرائیل موافقت کرده و همین یکی دو ماهه دولت اسرائیل در تهران دارای سفارت خانه‌ای خواهد شد.

صحت این خبر از طرف محافل وابسته بوزارت خارجه هنوز تائید نشده است.

دو ماه و نیم تعطیل روزنامه

بقیه ازصفحه ۱

همه می دانند که امروز انتشار مرتب یک روزنامه‌ای با این گرانی سرسام‌آور کاغذ و چاپ کاری بس مشکل بوده و تا روزنامه ای بیک دار و دسته و حزبی بستگی نداشته و یا از طرف مقاماتی پشتیبانی مادی نشود هیچگاه قادر نخواهد بود ده شماره روزنامه (نه روزی نامه) انتشار دهد پس اگر بگوئیم که نه این روزنامه بدار و دسته ای بستگی دارد و نه شخص اینجانب از حیث مادیات اینقدر‌ها در امان میباشم راه خطا نپیموده و سخنی ناصواب بر زبان جاری نکرده‌ایم.

من خدای خودرا حاضر و ناظر و بگواه میطلبم که در این مدتی که در جرگه مطبوعات ملی داخل شده‌ام نه دیناری از شخص و یا مقاماتی گرفته‌ام و نه مسلک و مرامم این بوده که برای درهمی چند صفحات گرانبهای روزنامه‌ام را صرف فحاشی و یا مداحی اشخاص بنمایم

اینک که هم میهنان عزیز و قارئین گرامی دانستند که این روزنامه مستقل الافکار بوده و بهیچ دار و دسته‌ای بستگی نداشته و از طرف هیچ مقامی هم جز ملت پشتیبانی نمی شود و فقط بعلل ضیق بودجه مالی و بهمتر کسالت و گرفتاریهای ممتد این بنده دو ماه و نیم تعطیل بوده. ضمن پوزش از آنان مجددا اول برای طرفداری از حق و حقیقت و دوم برای کور شدن چشم حسودان بانتشار مجدد و مبارزه مردانه خود ادامه می دهم و امیدوارم خداوند مرا در این امر خطیر نصرت دهد

مدیر و نگارنده روزنامه افتخار ـ
منصور ذوالفقاری

آگهی حصر وراثت

تاریخ ۵ر۲۹ ر محمد شهرت هادی دره گرکی بشرح دادخواست شماره ۱۷۷ - ۲۹ فوت آقای حسین هادی دره گرکی شناسنامه شماره ۱۳۱۸ دره گرک حومه بروجرد را تاریخ خرداد ۱۳۲۹ درمحل نامبرده اعلام خود و جواد هادی دره گرکی را پسران و بانوان قمر آئینی و روز بهانی و عصمت آغا سیبویی دختران و بانو کشور تبریزی را عیال دائم متوفی معرفی داد گاه بخش بروجرد پس از استماع شهادت شهود مراتب را ضمن روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار مرکز آگهی هر کس اعتراضی دارد در مدت یا بن دادگاه تقدیم والا گواهی مقتضی صادر خواهد شد و سوای وصیتنامه رسمی وسری از درجه اعتبار ساقط است

رئیس دادگاه بخش بروجرد محمد سبزواری

آگهی حصر وراثت

بتاریخ ۲۸ر۵ر۱۳۲۹ - بانو ربابه مهد سلطانی بشناسنامه شماره ۳۰۴۴ باستناد یک برگ گواهینامه رونوشت شناسنامه دادخواست شماره ۲۹ر۷۰۸ داده باینکه مرحوم حسن (آقابابائی) که جایگاه همیشگی او در تهران بوده در تاریخ ۹ر۵ر۱۳۰۹ در شیراز وفات یافته و متقاضیه زوجه دائمی و آقای حسین (بابائی) بشناسنامه شماره ۴۵۰ پسر متوفی و وارث منحصرش می باشند پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار در روزنامه افتخار آگهی می‌شود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن معترضی برحسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیت نامه از متوفی دارد در ظرف مدت مزبور ابراز کند والا هر وصیتنامه غیر از رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود

۳ — ۲ دادرس شعبه اول دادگاه بخش تهران محمود فخار پور

آگهی

در ولایات و شهرستانها به خبر نگار و نماینده واجد شرائط احتیاج داریم بآدرس این روزنامه مکاتبه فرمائید

کارت خبرنگاران این روزنامه از درجه اعتبار ساقط است

کلیه کارتهای خبرنگاری این روزنامه نظر بفرا رسیدن موعد مقرر از درجه اعتبار ساقط است و خبرنگاران برای تجدید کارت اقدام کنند

۱ — ۰

آقای دکتر نخعی ملت تقاضا میکند

بقیه ازصفحه ۱

برنامه مینماید اختصاص دهیم و در خاتمه این مقال خود از روی خیر خواهی به آقای دکتر نخعی بد نیست بگوئیم

اگر نمیتوانند در این وسعه اقدامات اساسی بفرمایند چه بهتر است این لباس گل و گشاد را از همین جا درز گرفته و کار را بدست کاردانتر از خود بسپارند

ادبی.

خزان!!

خزان تو به شکن میرسد چه چاره کنم!!

دل من هم مثل آن بهار نیکو و این خزان نیکوتر همیشه در تغییر و تبدیل است، ولی آن بهارها و این خزانها همه گذرانند جز خزان زندگی من! برگ پژمرده امروزی که بدست باد نیستی سپرده میشود در زیر بال خود غنچه نو شکفته‌ای بجا میگذارد تا بهاران با زیبائی و طنازی بر پردهٔ جمال بهار طبیعت خودستائی کند، ولی اثر آن خزانی که در زندگی من بوجود آمده هرگز کوچکترین غنچه‌ای برای بهار بعدی وجود ندارد چه که این بهار دیگر نخواهد رسید!

بهار عمر من یکی بود و آنهم بدست باد خزان بی مهری پژمرده گشت و این بهار چگونه بازگشت دارد درحالیکه عمر آدمی پایدار نیست، ولی جهانی که تا اراده لایزال پروردگار تعلق گیرد پایدار است بهار و خزان بهمراه خواهد داشت.

توای بی‌مهر و وفائی که برخاکستر عمر من هم رحم نداری و بهار زندگی مرا بدست باد خزانی پژمرده ساختی از اینهمه بی وفائی چه طرفی بر بستی؟

تو دل خوش داری که من نوجوان پژمرده خزان بیوفائی باشم منهم بهمین خزان زندگی خو گرفته‌ام، ولی اگر پس از اینهمه بی مهری یادی از خزان عمر من نمائی بازهم شاید نهال سوخته من رمقی گیرد و بهار زندگی من بوجود آید. ولی آیا تو این همت را خواهی داشت؟ خیال میکنم جز این جوابی نداشته باشم که «خوبرویان جهان راچو سرشتند از گل - سنگی اندر گلشان بود همان شد دلشان» بس افسوس!!

آگهی احضار پرونده $\frac{6}{29}$ ۱۰۰۸

به‌سید ابوالحسن مرتضوی فرزند ساله اهل‌شغل بازرگان که‌محل محل‌اقامت‌خود را سابقا بازار مروی محمدیه اظهار نموده و محل اقامت فعلی او غیر معلوم است اعلام می‌شود که بشرح کیفر خواست مورخه ۱۳ر۱۲ر۱۳۲۸ دادسرای تهرن باتهام تخلف از مقررات منع احتکار مورد پیکرد کیفری قرار گرفته اند و رسیدگی موضوع بدادگاه جنحه شعبه (۶) ارجاع گردیده بنابر این از تاریخ نشر سومین آگهی از طرف سه ماه خودرا بدفتر شعبه نامبرده معرفی نمائید درصورت عدم حضور و انقضاء مدت مقرر دادگاه غیابا رسیدگی و دادنامه شایسته صادر خواهد نمود و در آتیهٔ چنانچه آگهی لازم شود یك نوبت منتشر و مدت آن ده روز خواهد بود

۳-۳

از طرف رئیس دفتر دادگاههای جنحه تهران - علی رضا امیر حجازی

آگهی احضار پرونده کلاسه $\frac{6}{}$ ۹۲۱

به شر نام سنگ سردار فرزند جودسنگ ساله ۰۰۰۰ که محل اقامت خود را سابقا بازرگان خیابان چراغ برق ار نموده و محل اقامت فعلی او غیر معلوم است اعلام میشود که بشرح کیفر خواست مورخه ۱۱ر۱۱ر۱۳۲۸ دادسرای تهران باتهام تخلف از مقررات منع احتکار مورد پیکرد کیفری قرار گرفته اند و رسیدگی موضوع بدادگاه جنحه شعبه (۶) ارجاع گردیده بنا بر این از تاریخ نشر سومین آگهی درظرف مدت سه‌ماه خودرا بدفتر شعبه نامبرده معرفی نمائید در صورت عدم حضور حضور و انقضاء مدت مقرره دادگاه غیابا رسیدگی و دادنامه شایسته صادر خواهد نمود و در آتیه چنانچه آگهی لازم شود یك نوبت منتشر و مدت آن ده روز خواهد بود.

۳-۳

از طرف رئیس دفتر دادگاههای جنحه تهران - علی رضا امیر حجازی

آگهی

وزارت کشاورزی باستناد تصویب نامه شماره ۱۱۵۳۸ مورخه ۴ر۶ر۲۷ مشخصات و بهای فروش یکدستگاه تلمبه ۱۴ + ۱۲ با موتور دیزل ۷۰ اسب قوه ساخت کارخانه روبسون انگلستان متعلق به تجارتخانه خاوری واقع در سرای روشن را بشرح زیر اعلام میدارد.

یکدستگاه تلمبه ۱۴+۱۲ اینچ با موتور ۷۰-۷۷ اسب قوه تیپ CHW ساخت کارخانه روبسون انگلستان تحویل تهران ۳۱۳۰۵۲ ریال خریداران توجه فرمایند تلمبه و موتور مورد بحث را بیش از میزان تعیین شده بالا خریداری نفرمائید.

۳-۳

ازطرف وزیر کشاورزی

اگهی احضار پرونده $\frac{6}{29}$ ۱۵۹

۱ — به حسن شهرت خورسند فرزند هاشم ۲۶ ساله اهل تبریز

۲ — و به فیروز رفیق فرزند محمد ۱۸ ساله اهل تبریز محل اقامت خودرا سابقا راه‌آهن مسافرخانه تهرانچی اظهار نموده و محل اقامت فعلی او غیر معلوم است اعلام میشود که بشرح کیفرخواست مورخه ۱۳ر۲ر۱۳۲۹ دادسرای تهران باتهام تخلف از مقررات قمار بازی علنی مورد پیکرد کیفری قرار گرفته اند و رسیدگی موضوع بدادگاه جنحه شعبه (۶) ارجاع گردیده بنابر این از تاریخ نشر سومین آگهی در ظرف مدت سه ماه خودرا بدفتر شعبه نامبرده معرفی نمائید در صورت عدم حضور و انقضاء مدت مقرر دادگاه غیابا رسیدگی و دادنامه شایسته صادر خواهد نمود و در آتیه چنانچه آگهی لازم شود یك نوبت منتشر و مدت آن ده روز خواهد بود.

از طرف رئیس دفتر دادگاههای جنحه تهران - علی رضا امیر حجازی

۳ - ۳

جای اداره خیابان سعدی روبروی شرکت بیمه تلفن ۸۰۴۶

سالیانه	۶ ماهه	۳ ماهه
۲۰۰ ریال	۱۲۰ ریال	۶۰ ریال

کلیه نامه‌ها باید بعنوان مدیر باشد و روزنامه در حك و اصلاح و یا چاپ مقالات آزاد است.

چاپ تهران